هُوَ
۱۲۱

۲۰۳

سلسله درسهای عرفانی

گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

درباره‌ی **خانواده و اختلافات خانوادگی و علل عمده**

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

کوچکترین واحد اجتماعی در یک جامعه، خانواده است. خانواده‌ها با هم جمع شده یک جامعه را تشکیل می‌دهند. این است که هر وقت ارتباط خانواده‌ها و ارتباط در خانواده بد باشد، جامعه هم بد می‌شود. هر وقت در جامعه ارتباط افراد خانواده خوب باشد، مجموعاً جامعه هم خوب می‌شود.

متأسّفانه در حال حاضر دنیا طوری شده که از جهات مختلف از جمله، جهت اقتصادی و غیراقتصادی روابط خانوادگی خراب شده و دلیل یک قسمت عمده‌ی خرابی معنوی جامعه این است که ارتباط‌های خانوادگی بر مبانی اساسی استوار نیست.

مبانی اساسی در ارتباط با خانواده چند چیز است: یکی مسائل اقتصادی است، یکی هم مسائل فطری است، مثل اینکه مرد به زن نیاز دارد و زن به مرد نیاز دارد. هر دو اولاد دارند و باید به اولادشان برسند و همچنین مسائل اجتماعی است که غیر از مسائل اقتصادی است.

فشارهایی که احیاناً در محیط کار به کسی وارد می‌شود و یا در جامعه می‌بیند، متأسّفانه موجب شده که روابط خانوادگی سست شود و مسأله‌ی طلاق حتّی در خانواده‌های فقرا هم زیاد شود. قدیم در میان فقرا طلاق و جدایی کمتر بود. حالا متأسّفانه زیادتر شده. البتّه باز هم نسبت به دیگران خیلی کمتر است و روابط اجتماعی و خانوادگی فقرا باز هم بهتر از دیگران است. این مزیّت را هنوز دارند ولی مع‌ذلک آنطور که باید باشد نیست.

من تقاضاهای طلاق بسیاری دیده‌ام. البتّه طلاق حرام نیست و حلال است، منتها پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده‌اند: مکروه‌ترین امر حلال در نظر من طلاق است که من از آن بدم می‌آید. حلال است ولی در نظر من خوب نیست. همانگونه که خود ازدواج با رضایت طرفین انجام می‌شود، اگر طلاق را هم طوری کنند که با رضایت طرفین باشد خیلی بهتر است. من معمولاً به هر دو طرف خیلی این توصیه را کرده‌ام که شما از ازدواج ناراحت هستید و می‌خواهید طلاق بگیرید. فکر می‌کنید که بعد از طلاق این ناراحتی‌ها تمام می‌شود ولی آیا ناراحتی‌های بیشتری نخواهید داشت؟ به قولی از هول حلیم در دیگ نیفتید. نکند از هول اینکه زود بروید و طلاق بگیرید توی دیگ بیفتید. البتّه مگر وقتی که زن و مرد نهایتاً ناچار به طلاق باشند.

مردی آمد خدمت حضرت جعفرصادق علیه‌السلام گفت: من وضع مالی خوبی ندارم. حضرت فرمودند: ازدواج کن. ازدواج کرد. بعد از مدّتی آمد و باز گفت وضع مالی من هنوز هم خوب نیست و با زنم ناراحتی دارم. حضرت فرمودند: طلاق بده. طلاق داد.

دو آیه در قرآن هست که یکی درباره‌ی ازدواج است که خداوند می‌فرماید: از ازدواج نترسید.

نترسید از اینکه چیزی ندارید، ازدواج کنید و خداوند شما را به کَرَم خویش بی‌نیاز خواهد ساخت (سوره نور، آیه ۳۲). در جای دیگر می‌فرماید: وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ (سوره نساء، آیه ۱۳۰) اگر با میل و رضایت از هم جدا شدند، خداوند از فضل و اموال خودش به آنها می‌دهد. سؤالی پیش می‌آید که چطور با موافقت طلاق بگیرند. اگر با همدیگر موافقت دارند جدا شدن که دیگر معنا ندارد، نه! مسأله‌ی زن و شوهری، همسری، عواطف خاصّ دیگری هم می‌خواهد. ممکن است یکی با دیگری خیلی هم مهربان باشد ولی آن عواطف زن و شوهری را نداشته باشند. آنها طلاق می‌گیرند و از هم جدا می‌شوند ولی دوستی آنها باقی است. خیلی‌ها را من می‌شناسم و دیدم که از هم طلاق گرفتند ولی به منزله‌ی دو دوست با هم برخورد می‌کنند.

زن و مرد باید در اوّل ازدواج تمام شرایط دلخواه خود را بیان کنند. این مسأله را برای این تأکید می‌کنم که ظلم و ستم بر زن‌ها وارد نشود که گاهی می‌شود. به واسطه‌ی اینکه زن‌ها به حقوق خود توجّه ندارند. اگر همان اوّل تمام شرایط را بگویند، مورد ظلم و ستم واقع نمی‌شوند. حتّی زن می‌تواند همان اوّل وکالت بلاعزل از مرد بگیرد که هر وقت مصلحت دانست خودش را طلاق دهد. طلاق به دست مرد است. این حکم شرعی است. طلاق را مرد باید بدهد ولی زن می‌تواند وکالت بگیرد که هر وقت مصلحت دانست خودش را طلاق دهد. در واقع اختیار طلاق را هم به این صورت می‌تواند داشته باشد. همان اوّل ازدواج باید تمام شرایط را بنویسند، شرایطی را که می‌خواهند حاکم باشد. تا بعد دچار گرفتاری و مشکل نشوند.

وقتی که با هم زندگی می‌کنید، همانطور که در یک مجمع مثل همین جا هر کدام به دیگری برای نشستن تعارف می‌کنید، در زندگی داخلی هم همینطور باشید. چه مرد نسبت به زن و چه زن نسبت به مرد. در یک اجتماع، یک سازمان که از دو یا چند نفر تشکیل شده باشند، یک نفر باید مدیریت داشته باشد و سیاست کلّی را تعیین کند. این دلیلی نیست بر اینکه همه‌کاره اوست. در شرکت‌های تجارتی هم مدیرعامل امین شرکاء است. نه خودِ مرد باید خیال کند که این تسلّطی است بر زن و نه زن خیال کند که تسلّطی نسبت به مرد دارد. باید تنظیمی در خانواده باشد.

فرض بفرمایید مثلاً شوهر از خصوصیّات اخلاقی مردی خبر دارد که آدم رذلی است و از قوم و خویش زنش هم هست لذا نمی‌خواهد آن مرد به خانه‌اش بیاید. وقتی می‌گوید من دلم نمی‌خواهد آن مرد به خانه بیاید، زن باید قبول کند و بگوید به خاطر تو. یا برعکس، مرد نمی‌داند و زن به شوهرش می‌گوید آن رفیقت را به خانه نیاور من خوشم نمی‌آید. باید زن و شوهر با یک هماهنگی کار کنند. اگر با هماهنگی باشد هرگز بین آنها اختلاف ایجاد نمی‌شود. اگر هم خدای‌نکرده اختلافی ایجاد شد طبق دستور شرع باید یک نفر از طرف زن و یک نفر از طرف مرد بنشینند و به درد دل آنها گوش کنند. زن و مرد خیلی حرف‌ها دارند که خجالت می‌کشند به دیگری بگویند، به یک نفر که محرمشان است می‌گویند. آنها می‌نشینند گوش می‌دهند و می‌بینند اگر اختلافات قابل حل است حل می‌کنند، اگر قابل حل نیست آنوقت دستور طلاق می‌دهند.

این است که در فقه اسلامی دو نوع طلاق موافقتی ذکر شده به نام: «خُلع و مُبارات» که بنشینند و با هم توافق کنند.

یک قسمت عمده از اختلافات خانوادگی به علّت مسائل اقتصادی و مالی است که باید توجّه

کنید. تا حدّی تمام مردم دنیا گرفتار این مشکل اقتصادی هستند؛ به‌خصوص در ایران که ما آن را می‌بینیم. این مشکل اقتصادی را اگر تحمّل نکنیم زجرش دو برابر می‌شود. مثلاً فرض بفرمایید شب شوهر نتوانست غذایی فراهم کند و نان و پنیر یا نان خالی آورد. اگر زن ناراحت شود و غر بزند، دو تا ناراحتی دارد؛ یکی اینکه باید نان خالی بخورد و دیگر اینکه غر بزند. بنابراین یکی از آن دو را می‌تواند حذف کند و حداقل آن نان را با رضایت خاطر بخورد. بعد اگر ببیند مردش خدای‌نکرده با پول ناچیزی که می‌گیرد به سینما می‌رود یا با رفقایش به گردش می‌رود، آنوقت هم با یک روش روانشناسی او را به خانه بکشاند. والّا وقتی مرد پولی نداشت، تقصیری ندارد و این یک تحمیل اقتصادی است.

برای مرد بالاترین زجر این است که زنش از او ناراضی باشد. منتها مرد معمولاً به کسی نمی‌گوید. بالاترین رضایت مرد هم این است که زن از زندگی راضی باشد. البتّه اعلام این رضایت باید به اندازه‌ای باشد که موجب رکود مرد نشود. زن می‌تواند در عین اعلام رضایت، مرد را به فعّالیت وادار نماید. اگر مرد (ببخشید من این مسائل ساده را می‌گویم، اساس اُنس و اُلفت زن و مرد بیشتر این چیزهاست) مثلاً کاسب است و دیر از خواب بیدار می‌شود و یا دیر به اداره می‌رود. زن باید ساعت شماطه را کوک کند و خودش بیدار شود و کُت و لباس شوهر را بردارد و کنار رختخوابش برود و بگوید بلند شو لباسهایت را آورده‌ام، بپوش. این رفتار، آثار مهمی در مرد دارد.

زن‌ها اصولاً و فطرتاً روانشناسی‌شان خیلی قوی‌تر از مرد است و اگر گذشت داشته باشند و فکر کنند که حالا وقتِ گذشت نسبت به شوهرشان است، آنوقت شوهرشان هم به موقع گذشت خواهد کرد. مثلاً مرد را رفقایش دعوت می‌کنند، باید برود، بستنی می‌آورند واقعاً دلش نمی‌آید که این بستنی را تنها بخورد. منتها چه بگوید؟ می‌آید و به زنش می‌گوید: من با رفقایم رفتم بیرون بستنی خوردیم. زنش به جای دعوا باید بگوید: نوش‌جان، یک‌بار هم با هم می‌رویم. این یک گذشت بسیار جزئی است ولی در زندگی زناشویی این جزئیات تشکیل‌دهنده‌ی کل است.

از طرفی اگر زن و مرد هر دو درویش باشند دیگر وظیفه‌شان سنگین‌تر می‌شود، اصلاً خودشان می‌توانند با بچّه‌هایشان یک مجلس فقری داشته باشند. خودشان می‌توانند ساعاتی را با هم بگذرانند که در آن اوقات با هم به نحوی ارتباط داشته باشند. چون زن و مرد غیر از اینکه روابط زن و مردی با هم دارند، هر دو انسان‌هایی هستند که با هم روابط قلبی هم دارند. لااقل در ساعات خاصّی از روز، مثل سحرها، اتّکا به این ارتباط قلبی خیلی مفید است. در *مجمع السعادات*، تألیف حضرت سلطان‌علیشاه، در صفحات آخر، دستورات مفصّلی در این زمینه داده‌اند که خیلی خوب است، بخوانید. زن و مرد هر دو با هم بخوانید.

بیشتر مسائل اقتصادی است که زندگی را تیره می‌کند. مسائل اقتصادی در بعضی از افراد موجب قوّت ایمان می‌شود ولی متأسّفانه اکثراً موجب اشتغال فکری می‌گردد که در دنیای امروز حق هم دارند. خرج مدرسه‌ی بچّه‌ها، خرج لباس بچّه‌ها، خرج غذا و.... باید سعی کرد که این کدورت‌ها بر دل ننشیند و آن اتّکا و توکّل را داشته باشد، ولو نان خالی هم بخورد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح چهارشنبه، تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۸)

*****

یکی از شکایاتی که می‌شود این است که زن‌ها شکایت می‌کنند که شوهرم، من را رها کرده و

رفته است، یا شکایت می‌کنند که شوهر من رفته و زن دیگری گرفته است. در اینطور شکایت‌ها ممکن است حق هم داشته باشند، نه اینکه حق ندارند ولی من اوّل که شکایت می‌کنند می‌گویم به خودت نگاه کن. اگر شوهر تو آمد دنبال تو و تو را گرفت تو هم رضایت دادی. پس شوهرت، تو را می‌خواسته و تو هم او را می‌خواستی حالا چه کار کردی که تو را نمی‌خواهد؟ تقصیر تو است. چه کار کرده‌ای که از تو دلزده شده و به قولی زن دیگری گرفته؟ اوّل این مطلب باید روشن شود و بعد به حرف حساب او برسیم. مثل اینکه همه‌ی شما حتماً با عدلیه سر و کاری داشته‌اید، اقلاً انحصار وراثت داده‌اید، عدلیه این حرف‌ها را گوش می‌کند منتها اوّل که عدلیه می‌روید باید روی برگه‌های مشخصی بنویسید.

حالا این حرفی هم که من زدم مثل برگ دادخواست است. اوّل از خود شروع کنید بعد به دیگری بپردازید. یک وقتی خانمی آمد از شوهر خود خیلی شکایت داشت که شوهر من همه‌ی بدی‌ها را دارد؛ پُرخور است، پول برای خرج نمی‌دهد و فلان و فلان، عیب‌هایی را گفت که من نمی‌گویم، تا شما یاد نگیرید که بگویید. همه‌ی این عیب‌ها را گفت. من گفتم که دخالت مستقیم نمی‌کنم ولی خیلی برای تو متأسّفم که اینطور شده و چنین کسی همسر تو است، خیلی بد است. او راجع به تو چه می‌گوید؟ گفت: می‌گوید تو به حرف من اعتناء نداری (یعنی همین حرفی که او می‌زد.) بعد گفتم: به حرف‌های او کار نداشته باش خود تو هیچ عیبی نداری؟ گفت: چرا، بی‌عیب که نمی‌شود. یک چیزی گفت. بعد گفتم: دیگر؟ باز گفت. گفتم که نگاه کن هر دو برابر هستید مثل هم هستید پس تو از خود شروع کن، هر عیبی را که از خود رفع کردی از او هم رفع می‌شود. چون هر عیبی که در تو به وجود بیاید در او هم به وجود می‌آید.

کتابی در چهل، پنجاه سال پیش خوانده‌ام به نام *تصویر دوریان گری* نوشته‌ی اسکاروایلد که نویسنده‌ی بزرگی است. نویسنده مثل یک روانشناس است و در این کتاب مطالب اخلاقی آمده است به این جهت من خواندم. او تصویری ساخته بود و هر کار بدی که می‌کرد در تصویر لکّه‌ای ایجاد می‌شد. حالا زن و شوهر هم اینطوری هستند، هر کدام تصویر دیگری هستند. ان‌شاءالله هیچ مشکلی برای هیچکدام از شما به وجود نیاید. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح جمعه، تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱۶)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امر به معروف و نهی از منکر، مصافحه، عشق، حجاب، اتحاد و همدلی و خطبه سلسلة الاولیاء)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت‌وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.

جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.